مرور

درباره «سایه‌های شب» امیل زولا

آوای تغزلی عصر علم

پیش از این در رمان از امیل زولا با عناوین «شاهکار» و «پول و زندگی» با ترجمه اکبر معصوم‌بیگی منتشر شده بود و اخیرا هم رمان دیگری از این نویسنده کلاسیک فرانسوی با نام «سایه‌های شب» با ترجمه معصوم‌بیگی در نشر نگاه به چاپ رسیده است. «سایه‌های شب» یا «دیو درون» درواقع هفدهمین رمان از مجموعه بیست‌جلدی خانواده روگون- ماکار است که زولا در ۱۸۹۸ نوشتن آن را آغاز کرد و چندی بعد در ۱۸۹۰ منتشر شد. در میان کتاب‌های این مجموعه، چند رمان و آن از جمله «خوشبختی بانوان»، «زرمینال»، «پول» و همین «سایه‌های شب» به یک دلیل مشترک از دیگر رمان‌های مجموعه متمایزند و دلیل این تمایز این است که این رمان‌ها «بیشتر تحت‌تاثیر دگرگونی‌ها و رویدادهای صنعتی بزرگ ربع واپسین سده نوزدهم شکل گرفته است تا بر پایه طرح نخستین زولا برای نوشتن مجموعه‌ای از داستان‌ها در توصیف دوران موسوم به امپراتوری دوم فرانسه (۱۸۵۲ تا ۱۸۷۰) که غرق در خودکامگی، دزدی، تباهی، رسوبگری و قوادی بود».

در میان رمان‌نویسان قرن نوزدهم زولا از اولین نویسندگانی است که به صنعت مدرن روابط و شیوه‌های تولید نشان داده است. زولا نویسنده عصر علم بود و آرایی‌رو نمی‌توانست نسبت به پیشرفت‌های علم در دوران خودش بی‌تفاوت باشد. خط‌اهی یکی از مظاهر پیشرفت علم در دوران زولا بود. او در سال ۱۸۸۲ به پل الکسیس، زندگی‌نامه‌نویس و دوست صمیمی‌اش، می‌گوید: «آنچه الکون بیش چشم‌ام دارم دشت‌های پربوت پهناور است که در میانه آن یکی از آن کلبه‌های کوچک ایستاده است که در آستانه‌اش زنی برچمی سبزرنگ به دست گرفته به قطارها علامت عبور بدهد... آنچه در خیال دارم تصویر کردن درام انسانی ساده‌ای است که سرانجام به ترازدی می‌انجامد. می‌خواهم مجموعه زحمتی حس خاص راه‌آهن را توصیر کنم؛ دلبستن ایستگاه‌ها، کارگران قطارها، مهندسان لکوموتیوها، سوخت‌رسان، کارمندان بخش بست و تلگراف... خلاصه هرآنچه در قطارهای ما روی می‌دهد. مردم در آنجا می‌خورند، می‌آشامند، می‌خوابند، عشق می‌ورزند، حتی می‌زایند، و سرانجام همان‌جا می‌میرند.» زولا معتقد بود باید با تمام قوا به دنیای مدرن و پیشرفت‌های نیمه‌تمام بنگرد و آن را بستر نوسنده‌اش قرار دهد. او در نامه‌ای به دوستش می‌گوید: «ما